

مقایسه حساسیت بین فردی، تحریف‌های شناختی و تاب‌آوری روان‌شناختی در زنان

متأهل با پایداری زناشویی و زنان مطلقه

سمیرا باقری راد^۱

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مشاوره خانواده، دانشکده روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران
(نویسنده مسئول).

فصلنامه ایده‌های نو در تعلیم و تربیت، دوره پنجم، شماره چهاردهم، بهار ۱۴۰۴، صفحات ۲۴-۱۸

چکیده

شناسایی عوامل روان‌شناختی مؤثر بر پایداری زناشویی از اهمیت بالایی برخوردار است. این پژوهش با هدف مقایسه حساسیت بین‌فردی، تحریف‌های شناختی و تاب‌آوری روان‌شناختی در زنان متأهل دارای پایداری زناشویی و زنان مطلقه انجام شد. این مطالعه از نوع توصیفی-مقایسه‌ای بود. جامعه آماری شامل زنان ۲۵ تا ۴۵ ساله ساکن تهران بود که در دو گروه ۴۰ نفری (دارای پایداری زناشویی و مطلقه) به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های حساسیت بین‌فردی، تحریف‌های شناختی و تاب‌آوری روان‌شناختی جمع‌آوری و با آزمون تی مستقل تحلیل شدند. نتایج نشان داد بین دو گروه در هر سه متغیر تفاوت معناداری وجود دارد. زنان مطلقه میانگین نمرات بالاتری در حساسیت بین‌فردی (۱۰۶/۸۵ در مقابل ۸۵/۴۲) و تحریف‌های شناختی (۴۱/۶۰ در مقابل ۲۵/۳۰) و میانگین نمرات پایین‌تری در تاب‌آوری روان‌شناختی (۵۸/۷۵ در مقابل ۷۵/۱۸) داشتند ($p < 0/01$). یافته‌ها حاکی از وجود یک پروفایل روان‌شناختی متمایز در دو گروه است. به نظر می‌رسد حساسیت بین‌فردی و تحریف‌های شناختی به‌عنوان عوامل خطر و تاب‌آوری روان‌شناختی به‌عنوان یک عامل محافظ در پایداری رابطه زناشویی نقش ایفا می‌کنند. این نتایج بر اهمیت توجه به عوامل شناختی-هیجانی در طراحی مداخلات پیشگیرانه و درمانی در حوزه خانواده تأکید دارد.

واژه‌های کلیدی: حساسیت بین‌فردی، تحریف‌های شناختی، تاب‌آوری روان‌شناختی، پایداری زناشویی، زنان مطلقه.

فصلنامه ایده‌های نو در تعلیم و تربیت، دوره پنجم، شماره چهاردهم، بهار ۱۴۰۴

مقدمه

نهاد خانواده به‌عنوان بنیادی‌ترین کانون اجتماعی، نقشی بی‌بدیل در سلامت روانی، تربیت نسل و پایداری جوامع ایفا می‌کند (سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۲۲). در مرکز این نهاد، رابطه زناشویی قرار دارد که کیفیت آن، تأثیری مستقیم و عمیق بر بهزیستی اعضای خانواده، به‌ویژه زنان، بر جای می‌گذارد (کارنی و بردبری، ۲۰۲۰). ازدواج موفق، منبعی برای حمایت عاطفی، رشد فردی و امنیت روانی است، درحالی‌که ناکامی در این رابطه می‌تواند به پیامدهای مخربی همچون افسردگی، اضطراب و کاهش کیفیت زندگی منجر شود (ویزمن و اوبلکر، ۲۰۲۱). در دهه‌های اخیر، جوامع، از جمله ایران، با افزایش نرخ طلاق مواجه بوده‌اند. پدیده طلاق تنها یک پایان قانونی برای رابطه زناشویی نیست، بلکه یک بحران چندبعدی با پیامدهای روان‌شناختی، اجتماعی و اقتصادی گسترده برای افراد و کل جامعه محسوب می‌شود (آماتو، ۲۰۲۱). زنان، به دلیل نقش‌های سنتی و ساختارهای اجتماعی، اغلب تأثیرات شدیدتر و پیچیده‌تری از طلاق را تجربه می‌کنند (سبازا و امری، ۲۰۲۱). از این‌رو، شناسایی عوامل روان‌شناختی که می‌توانند پایداری یک ازدواج را پیش‌بینی کرده یا استعداد جدایی را افزایش دهند، از اهمیت بالینی و پژوهشی حیاتی برخوردار است. تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که عوامل شناختی و هیجانی، پیش‌بینی‌شده قدرتمندی برای کیفیت و بقا روابط زناشویی هستند (فینچام و بیچ، ۲۰۲۱). در میان این عوامل، سه متغیر کلیدی شامل حساسیت بین فردی، تحریف‌های شناختی و تاب‌آوری روان‌شناختی، توجه ویژه‌ای را به خود معطوف کرده‌اند. این پژوهش درصدد است تا تفاوت‌های این سه متغیر را در دو گروه از زنان، یعنی کسانی که دارای پایداری زناشویی هستند و کسانی که تجربه طلاق را پشت سر گذاشته‌اند، مورد بررسی و مقایسه قرار دهد. اهمیت این تحقیق در چند بعد قابل تبیین است. نخست، از بعد نظری، این پژوهش با بررسی همزمان سه سازه روان‌شناختی مهم، به درک عمیق‌تر و یکپارچه‌تری از نقش متغیرهای درونی زنان در سرنوشت روابط زناشویی کمک می‌کند. درحالی‌که تحقیقات پیشین به صورت پراکنده به هر یک از این متغیرها پرداخته‌اند، کمتر مطالعه‌ای به مقایسه‌ی همزمان آن‌ها در دو گروه متضاد (زنان با ازدواج پایدار در مقابل زنان مطلقه) پرداخته است. این تحقیق با پر کردن این شکاف تحقیقاتی، به غنی‌سازی ادبیات نظری در حوزه روانشناسی خانواده و زوج‌درمانی کمک شایانی خواهد کرد (رضایی و سلیمانی، ۱۴۰۱). ثانیاً، از بعد کاربردی، یافته‌های این مطالعه می‌تواند مبنایی برای طراحی مداخلات پیشگیرانه و درمانی مؤثر قرار گیرد. شناسایی الگوهای شناختی و هیجانی مشخص در زنانی که در معرض خطر طلاق قرار دارند، به مشاوران و روانشناسان امکان می‌دهد تا برنامه‌های آموزشی و درمانی هدفمندی را طراحی کنند. برای مثال، اگر مشخص شود که تحریف‌های شناختی پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری برای طلاق هستند، می‌توان بر اصلاح این الگوهای فکری در زوج‌درمانی شناختی-رفتاری تمرکز کرد (بک و های، ۲۰۲۱). همچنین، تقویت تاب‌آوری روان‌شناختی به‌عنوان یک عامل محافظت‌کننده، می‌تواند در کارگاه‌های پیش از ازدواج و مشاوره زوجین، به‌عنوان یک مهارت کلیدی آموزش داده شود (ماستن، ۲۰۲۱). ضرورت این تحقیق با توجه به آمار بالای طلاق و هزینه‌های هنگفت اجتماعی و اقتصادی آن برای کشور دوچندان می‌شود. هرچقدر بتوانیم زودتر عوامل خطر ساز را شناسایی کنیم، امکان مداخله به موقع و جلوگیری از فروپاشی خانواده‌ها بیشتر خواهد بود (محمدی و همکاران، ۱۴۰۲). از آنجایی‌که زنان نقش محوری در تثبیت خانواده‌دارند، سلامت روان آن‌ها مستقیماً با سلامت نسل آینده در ارتباط است (زنان سازمان ملل متحد، ۲۰۲۲)؛ بنابراین، سرمایه‌گذاری بر شناخت و بهبود عوامل روان‌شناختی مؤثر بر پایداری زناشویی در زنان، یک سرمایه‌گذاری بلندمدت برای آینده جامعه به شمار می‌رود. در پیشینه تحقیق مرتبط، پایداری زناشویی به‌عنوان یک سازه چندبعدی، شامل رضایت زناشویی، تعهد، و کیفیت ارتباطی است (استنلی و مارکمن، ۲۰۲۰). این مفهوم صرفاً عدم وجود طلاق نیست، بلکه وجود یک رابطه سالم، رضایت‌بخش و کارآمد است. در مقابل، طلاق فرآیندی پیچیده است که اغلب از یک دوره طولانی از تعارض، نارضایتی و ریزش هیجانی ناشی می‌شود (گاتمن و لونسون، ۲۰۲۰). تحقیقات جدید نشان می‌دهند که عوامل مرتبط با فرد، مانند ویژگی‌های شخصیتی و الگوهای شناختی، به اندازه عوامل ارتباطی و موقعیتی در پیش‌بینی طلاق اهمیت دارند (رابینز و همکاران، ۲۰۲۱). در واقع، نحوه تفسیر و پردازش رویدادهای زندگی مشترک توسط هر یک از زوجین، می‌تواند مسیر رابطه را به سمت پایداری یا فروپاشی سوق دهد. حساسیت بین فردی به تمایل فرد به ادراک و تجربه واکنش‌های منفی دیگران نسبت به خود، همراه با اضطراب و ناراحتی در موقعیت‌های تعاملی اطلاق می‌شود (بویس و پارکر، ۲۰۲۱). افراد با حساسیت بین فردی بالا، به شدت نگران قضاوت شدن، طرد شدن یا رد شدن توسط دیگران هستند و رفتارهای مبهم دیگران را اغلب به صورت منفی تعبیر می‌کنند (گائو و همکاران، ۲۰۲۲). در محیط زناشویی، این ویژگی می‌تواند بسیار مخرب باشد. زنی با حساسیت بین فردی بالا ممکن است یک انتقاد سازنده از همسرش را به‌عنوان حمله‌ای شخصی به ارزش خود تلقی کند یا سکوت او را نشانه‌ای از بی‌علاقگی و عشق‌ورزی نداشتن تعبیر نماید (حاتمی و همکاران، ۱۴۰۱). این تعبیرهای منفی مداوم، به چرخه‌های معیوب دفاعی، مقاومت در برابر ارتباط و افزایش تعارض منجر می‌شود. مطالعه‌ای توسط چن و لی (۲۰۲۲) نشان داد که حساسیت بین فردی، از طریق افزایش رفتارهای

اجتنابی و کاهش بیان هیجانات مثبت، به طور غیرمستقیم رضایت زناشویی را کاهش می‌دهد. در جامعه ایران نیز پژوهشی توسط صادقی و کریمی (۱۴۰۲) تأیید کرد که بین حساسیت بین فردی و علائم افسردگی در زنان متأهل رابطه مثبتی وجود دارد و این متغیر می‌تواند کیفیت رابطه را تضعیف کند. تحریف‌های شناختی، الگوهای تفکر غیرمنطقی و مغالطه‌آمیز هستند که منجر به ادراک نادرست از واقعیت می‌شوند (بک، ۲۰۲۰). این تحریف‌ها که در قلب نظریه شناختی-رفتاری قرار دارند، شامل مواردی چون "خواندن ذهن"، "تعمیم دادن"، "فیلتر منفی" و "کمال‌گرایی" می‌شوند. در چارچوب روابط زناشویی، این تحریف‌ها می‌توانند مانند یک عینک تیره عمل کنند که تمام جنبه‌های مثبت همسر و رابطه را پنهان کرده و تنها بر جنبه‌های منفی تمرکز کند (اهرنسافت و کوهن، ۲۰۲۲). برای مثال، زنی که از تحریف "خواندن ذهن" رنج می‌برد، ممکن است با اطمینان فرض کند که همسرش قصد آزار او را دارد، بدون اینکه شواهد کافی برای این ادعا داشته باشد. فردی که "کمال‌گرا" است، ممکن است هرگونه اشتباه کوچک از سوی همسر را به‌عنوان نشانه‌ای از بی‌لیاقتی کامل او تلقی کند (اپشتاین و بائوکام، ۲۰۲۱). تحقیقات متعدد نشان داده‌اند که تحریف‌های شناختی با افزایش تعارض زناشویی، کاهش رضایت و افزایش احتمال طلاق در ارتباط است (مک‌نولتی و فینچام، ۲۰۲۲). مطالعه‌ای طولی توسط فارلی و لستر (۲۰۲۳) نشان داد که تحریف‌های شناختی در سال‌های اولیه ازدواج، پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری برای طلاق در سال‌های بعد بودند، حتی پس از کنترل متغیرهای شخصیتی و سطح اولیه رضایت. در ایران نیز تحقیقاتی مانند پژوهش قاسمی و همکاران (۱۴۰۱) بر نقش میانجی تحریف‌های شناختی در رابطه بین استرس‌های زندگی و تعارض زناشویی تأکید کرده‌اند. تاب‌آوری روان‌شناختی به فرآیند موفقیت‌آمیز انطباق با شرایط دشوار، تهدیدآمیز یا آسیب‌زا اطلاق می‌شود (ماستن و موتی-استفانیدی، ۲۰۲۰). تاب‌آوران با وجود مواجهه با سختی‌ها، قادر به حفظ یا بازگشت سریع به سلامت روانی و عملکرد طبیعی هستند. این سازه شامل عواملی چون خوش‌بینی، خودکارآمدی، مهارت‌های حل مسئله و داشتن شبکه حمایتی قوی است (ساوئویک و همکاران، ۲۰۲۱). در زمینه روابط زناشویی، تاب‌آوری به‌عنوان یک عامل محافظت‌کننده عمل می‌کند. زوج‌های تاب‌آور بهتر می‌توانند با چالش‌های اجتناب‌ناپذیر زندگی، مانند مشکلات مالی، بیماری یا تعارضات روزمره، مقابله کنند (فالکه و همکاران، ۲۰۲۲). آن‌ها به‌جای فروپاشیدن تحت فشار، از این موقعیت‌ها به‌عنوان فرصتی برای رشد و نزدیک‌تر شدن به یکدیگر استفاده می‌کنند. پژوهشی توسط کروکوفسکی و همکاران (۲۰۲۲) نشان داد که تاب‌آوری روان‌شناختی، رابطه منفی بین استرس‌های زندگی و رضایت زناشویی را تعدیل می‌کند؛ به این معنا که در زوج‌های با تاب‌آوری بالا، استرس‌های زندگی تأثیر مخرب کمتری بر کیفیت رابطه آن‌ها دارد. در مقابل، کمبود تاب‌آوری می‌تواند منجر به واکنش‌های هیجانی شدید، احساس ناتوانی و درنهایت، تصمیم به ترک رابطه در زمان مواجهه با اولین مشکل جدی شود (بونانو، ۲۰۲۱). در یک مطالعه مقایسه‌ای، نژاد و صفری (۱۴۰۲) دریافتند که زنان متأهل با رضایت زناشویی بالا، نمرات قابل توجهی بالاتری در مقیاس تاب‌آوری روان‌شناختی نسبت به زنان با رضایت پایین داشتند. مرور ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد که هر یک از متغیرهای حساسیت بین فردی، تحریف‌های شناختی و تاب‌آوری روان‌شناختی به طور جداگانه با کیفیت و پایداری روابط زناشویی در ارتباط هستند. حساسیت بین فردی و تحریف‌های شناختی به‌عنوان عوامل خطرناک و تاب‌آوری به‌عنوان یک عامل محافظت‌کننده شناسایی شده‌اند. با این حال، شکاف تحقیقاتی اصلی در این است که پژوهش‌های پیشین به ندرت این سه سازه را به صورت یکپارچه و به طور همزمان در دو گروه مجزا و متضاد (زنان با ازدواج پایدار در مقابل زنان مطلقه) مورد مقایسه قرار داده‌اند. اکثر مطالعات موجود یا بر یک متغیر تمرکز کرده‌اند یا این متغیرها را در یک نمونه کلی از زنان متأهل (بدون تفکیک سطح پایداری) بررسی کرده‌اند. عدم وجود یک مطالعه مقایسه‌ای جامع، درک ما را از نقش تعاملی و تشدیدکننده این متغیرها محدود می‌کند. برای مثال، آیا اثر مخرب حساسیت بین فردی بر رابطه، در غیاب تاب‌آوری تشدید می‌شود؟ آیا زنانی که هم حساسیت بالایی دارند و هم دچار تحریف‌های شناختی متعددی هستند، در مقایسه با زنانی که فقط یکی از این مشکلات را دارند، به طور معناداری بیشتر در معرض طلاق قرار دارند؟ پاسخ به این پرسش‌ها نیازمند یک طراحی پژوهشی است که به طور مشخص این گروه‌ها را با هم مقایسه کند. این پژوهش قصد دارد این شکاف را با طرح این سوال اساسی پر کند که: الگوی ترکیبی این سه متغیر روان‌شناختی در زنانی که موفق به حفظ پایداری زناشویی خود شده‌اند چگونه با الگوی آن‌ها در زنانی که ازدواجشان به طلاق منتهی شده، تفاوت دارد؟ مسئله اصلی این پژوهش، عدم شناخت کافی از نقش تمایزدهنده متغیرهای روان‌شناختی کلیدی—یعنی حساسیت بین فردی، تحریف‌های شناختی و تاب‌آوری روان‌شناختی—بین دو گروه از زنان است: گروهی که در حفظ یک رابطه زناشویی پایدار و رضایت‌بخش موفق بوده‌اند و گروهی که تجربه طلاق را داشته‌اند. درحالی که هر یک از این سازه‌ها به تنهایی با سلامت رابطه مرتبط دانسته شده‌اند، یک خلاء تحقیقاتی در زمینه درک نقش ترکیبی و مقایسه‌ای آن‌ها در تعیین سرنوشت ازدواج وجود دارد؛ به عبارت دیگر، مشخص نیست که آیا این متغیرها می‌توانند به صورت یک الگوی مشخص، زنان با پایداری زناشویی را از زنان مطلقه متمایز سازند یا خیر. این عدم قطعیت، مانعی جدی بر سر راه طراحی مداخلات پیشگیرانه و درمانی هدفمند برای بهبود

پایداری روابط زناشویی است؛ بنابراین، این تحقیق به دنبال پاسخ به این مسئله است که چگونه این سه عامل روان‌شناختی به صورت توأمان در تجربه زنان از پایداری یا فروپاشی ازدواج نقش ایفا می‌کنند. برای پاسخ به مسئله اصلی، سوالات و فرضیه‌های زیر تدوین می‌شوند: سوالات تحقیق: ۱. آیا بین زنان متأهل با پایداری زناشویی و زنان مطلقه از نظر میزان حساسیت بین فردی تفاوت معناداری وجود دارد؟ ۲. آیا بین زنان متأهل با پایداری زناشویی و زنان مطلقه از نظر میزان تحریف‌های شناختی تفاوت معناداری وجود دارد؟ ۳. آیا بین زنان متأهل با پایداری زناشویی و زنان مطلقه از نظر میزان تاب‌آوری روان‌شناختی تفاوت معناداری وجود دارد؟ فرضیه‌های تحقیق: ۱. میانگین نمرات حساسیت بین فردی در زنان مطلقه به طور معناداری بالاتر از زنان متأهل با پایداری زناشویی است. ۲. میانگین نمرات تحریف‌های شناختی در زنان مطلقه به طور معناداری بالاتر از زنان متأهل با پایداری زناشویی است. ۳. میانگین نمرات تاب‌آوری روان‌شناختی در زنان متأهل با پایداری زناشویی به طور معناداری بالاتر از زنان مطلقه است. هدف اصلی این تحقیق، مقایسه‌ی حساسیت بین فردی، تحریف‌های شناختی و تاب‌آوری روان‌شناختی در زنان متأهل با پایداری زناشویی و زنان مطلقه است. اهداف فرعی عبارتند از: شناسایی تفاوت‌های حاشیه‌ای در هر یک از متغیرهای مذکور بین دو گروه، ارائه یک الگوی توصیفی از پروفایل شناختی-هیجانی زنان با پایداری زناشویی بالا و زنان با تجربه طلاق، و ایجاد زمینه علمی برای توسعه مداخلات مشاوره‌ای و روان‌درمانی مبتنی بر شناخت و تاب‌آوری برای بهبود کیفیت روابط زناشویی.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی از نوع علی-مقایسه‌ای است. در این مطالعه، متغیر مستقل (که در واقع یک ویژگی گروهی است) شامل وضعیت زناشویی (دو سطح: دارای پایداری زناشویی و مطلقه) می‌باشد و متغیرهای وابسته عبارتند از: حساسیت بین فردی، تحریف‌های شناختی و تاب‌آوری روان‌شناختی. هدف اصلی، مقایسه میانگین نمرات متغیرهای وابسته در دو گروه به‌منظور شناسایی تفاوت‌های معنادار احتمالی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه زنان ۲۵ تا ۴۵ ساله ساکن شهر تهران تشکیل می‌دهند که در دو دسته زیر قرار می‌گیرند: (۱) زنان متأهل با حداقل ۵ سال سابقه زندگی مشترک که پایداری زناشویی را بر اساس خودگزارشی تأیید می‌کنند. (۲) زنان مطلقه‌ای که فرآیند طلاق آن‌ها در فاصله زمانی ۶ تا ۲۴ ماه قبل از مطالعه به اتمام رسیده است.

نمونه پژوهش شامل ۸۰ نفر بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. این نمونه به دو گروه ۴۰ نفری تقسیم شد: گروه زنان دارای پایداری زناشویی (۴۰ نفر) و گروه زنان مطلقه (۴۰ نفر). دامنه سنی ۲۵ تا ۴۵ سال؛ داشتن حداقل مدرک دیپلم؛ برای گروه متأهل: حداقل ۵ سال سابقه زندگی مشترک و عدم درخواست جدایی در شش ماه گذشته؛ برای گروه مطلقه: گذشت حداقل ۶ ماه و حداکثر ۲ سال از تاریخ طلاق؛ و تمایل به مشارکت با امضای رضایت‌نامه آگاهانه. معیارهای خروج از مطالعه داشتن سابقه تشخیصی یا خودگزارشی اختلالات روان‌پزشکی شدید (مانند اسکیزوفرنی، اختلال دوقطبی) یا بیماری‌های عصبی-روان‌شناختی مؤثر بر شناخت و هیجان؛ تکمیل ناقص پرسشنامه‌ها (کمتر از ۹۰٪ موارد)؛ و انصراف از ادامه مشارکت در هر مرحله.

ابزارهای پژوهش

۱. **پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک:** محقق‌ساخت، شامل اطلاعاتی مانند سن، تحصیلات، شغل، مدت ازدواج یا طلاق و وضعیت اقتصادی.

۲. **مقیاس حساسیت بین فردی:** نسخه فارسی مقیاس IPSM طراحی شده توسط بویس و پارکر (۱۹۸۷)، ترجمه و اعتباریابی شده توسط ساموئی و همکاران (۱۴۰۰). این مقیاس ۳۶ گویه با پاسخ‌های لیکرت چهاردرجه‌ای دارد و نمره بالاتر نشان‌دهنده حساسیت بیشتر است. ضریب آلفای کرونباخ در مطالعه مذکور ۸۹/۰ گزارش شده است.

۳. **مقیاس تحریف‌های شناختی:** نسخه فارسی مقیاس CDS ساخته شده توسط دی‌گراف و همکاران (۲۰۲۰)، ترجمه و اعتباریابی شده توسط بشارت (۱۴۰۱). این مقیاس دارای ۲۰ گویه بر اساس مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای است. نمره بالاتر بیانگر تحریف‌های شناختی شدیدتر است. پایایی آن در مطالعه فارسی با آلفای کرونباخ ۹۱/۰ محاسبه شده است.

۴. **مقیاس تاب‌آوری کانر-دیویدسون:** از نسخه ۲۵ گویه‌ای مقیاس CD-RISC (کانر و دیویدسون، ۲۰۰۳) استفاده شد. نسخه فارسی مورد استفاده توسط محمدی و همکاران (۱۴۰۱) اعتباریابی شده و پایایی آن با آلفای کرونباخ ۸۸/۰ به‌دست آمده است. پاسخ‌ها در مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای بوده و نمره بالاتر تاب‌آوری بیشتر را نشان می‌دهد.

پس از اخذ مجوز اخلاق از دانشگاه و انجام هماهنگی‌های لازم، فرآیند اجرای پژوهش آغاز گردید. در مرحله بعد، شناسایی و جذب مشارکت‌کنندگان از طریق مراجعه به مراکز عمومی و مشاوره‌ای صورت پذیرفت. از هر یک از شرکت‌کنندگان، رضایت‌نامه آگاهانه کتبی اخذ شد که در آن اهداف پژوهش و محرمانه ماندن اطلاعات به طور کامل توضیح داده شده بود. سپس پرسشنامه‌ها به دو شیوه حضوری و آنلاین در اختیار افراد قرار گرفت و تکمیل آن‌ها حدود بیست تا بیست و پنج دقیقه زمان برد. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، به منظور حفظ محرمانگی، داده‌ها کدگذاری و وارد نرم‌افزار آماری شدند. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS ویرایش ۲۶ استفاده شد. تحلیل‌ها در دو سطح توصیفی و استنباطی انجام گرفتند که در سطح توصیفی، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و شاخص‌های مرکزی و پراکنندگی متغیرها خلاصه‌سازی شدند. در سطح استنباطی و پس از بررسی پیش‌فرض‌هایی مانند نرمال بودن توزیع داده‌ها و همسانی واریانس‌ها، از آزمون تی مستقل برای مقایسه میانگین دو گروه استفاده گردید. در مواردی که پیش‌فرض نرمالی بودن برقرار نبود، از آزمون ناپارامتریک یو من-ویتنی استفاده شد و سطح معناداری در تمامی تحلیل‌ها ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها

در این بخش نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها در قالب جداول و تفسیر توصیفی ارائه می‌شود. ابتدا ویژگی‌های دموگرافیک نمونه بررسی شده و سپس شاخص‌های توصیفی و استنباطی متغیرهای اصلی پژوهش گزارش می‌گردد.

جدول ۱. ویژگی‌های دموگرافیک شرکت‌کنندگان در دو گروه پژوهش

متغیر	گروه	میانگین (انحراف معیار)	فراوانی (درصد)	نتیجه آزمون
سن (سال)	متأهل	۳۴٫۲۵ (۴٫۸۱)	-	$t(۷۸) = -۱٫۱۲, p = .۲۶۷$
	مطلقه	۳۵٫۶۰ (۵٫۱۲)	-	
تحصیلات	متأهل	-	دیپلم (۱۷٫۵٪) ۷ کارشناسی (۵۵٪) ۳۲ کارشناسی ارشد و بالاتر (۲۷٫۵٪) ۱۱	$\chi^2(۲) = ۰٫۴۵, p = ۰٫۷۹۸$
	مطلقه	-	دیپلم (۲۲٫۵٪) ۹ کارشناسی (۵۲٫۵٪) ۲۱ کارشناسی ارشد و بالاتر (۲۵٪) ۱۰	
وضعیت شغلی	متأهل	-	شاغل (۶۰٪) ۳۴ خانه‌دار (۴۰٪) ۱۶	$\chi^2(۱) = ۰٫۲۵, p = ۰٫۶۱۷$
	مطلقه	-	شاغل (۵۵٪) ۳۲ خانه‌دار (۴۵٪) ۱۸	
تعداد فرزندان	متأهل	۱٫۸۰ (۰٫۹۵)	-	$t(۷۸) = -۰٫۹۸, p = ۰٫۳۳۱$
	مطلقه	۱٫۶۰ (۱٫۰۵)	-	

نتایج نشان داد که دو گروه از نظر سن، تحصیلات، وضعیت شغلی و تعداد فرزندان تفاوت معناداری ندارند. این همسانی دموگرافیک بیانگر آن است که تفاوت‌های مشاهده‌شده در متغیرهای اصلی پژوهش نمی‌تواند ناشی از عوامل زمینه‌ای باشد و گروه‌ها از نظر ویژگی‌های پایه قابل مقایسه‌اند.

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار نمرات متغیرهای پژوهش در دو گروه

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار
حساسیت بین فردی	متأهل	۸۵٫۴۲	۱۲٫۱۵
	مطلقه	۱۰۶٫۸۵	۱۴٫۲۸
تحریف‌های شناختی	متأهل	۲۵٫۳۰	۸٫۴۵
	مطلقه	۴۱٫۶۰	۱۰٫۲۲
تاب‌آوری روانشناختی	متأهل	۷۵٫۱۸	۱۱٫۳۰
	مطلقه	۵۸٫۷۵	۱۳٫۰۵

میانگین حساسیت بین فردی و تحریف‌های شناختی در گروه مطلقه به طور قابل توجهی بالاتر از گروه متأهل است، در حالی که میانگین تاب‌آوری روان‌شناختی در گروه متأهل به مراتب بالاتر از گروه مطلقه گزارش شد. این یافته‌های توصیفی به صورت اولیه فرضیه‌های تحقیق را تأیید می‌کنند.

جدول ۳. خلاصه نتایج آزمون تی برای مقایسه میانگین نمرات متغیرها در دو گروه

متغیر	N	گروه	میانگین	انحراف معیار	df	t	p
حساسیت بین فردی	۴۰	متأهل	۸۵٫۴۲	۱۳٫۱۵	۷۸	۷٫۱۲	p<۰/۰۱
	۴۰	مطلقه	۱۰۶٫۸۵	۱۴٫۲۸			p<۰/۰۱
تحریف‌های شناختی	۴۰	متأهل	۲۵٫۳۰	۸٫۴۵	۷۸	۷٫۷۸	p<۰/۰۱
	۴۰	مطلقه	۴۱٫۶۰	۱۰٫۲۲			p<۰/۰۱
تاب‌آوری روانشناختی	۴۰	متأهل	۷۵٫۱۸	۱۱٫۳۰	۷۸	۵٫۹۸	p<۰/۰۱
	۴۰	مطلقه	۵۸٫۷۵	۱۳٫۰۵			p<۰/۰۱

نتایج آزمون تی برای نمونه‌های مستقل نشان داد که تفاوت میانگین‌ها در هر سه متغیر اصلی از نظر آماری معنادار است. زنان مطلقه حساسیت بین فردی و تحریف‌های شناختی بیشتری دارند، درحالی‌که زنان متأهل با پایداری زناشویی تاب‌آوری روان‌شناختی بالاتری نشان می‌دهند. این یافته‌ها به روشنی سه فرضیه تحقیق را تأیید کرده و پروفایل روان‌شناختی متمایزی را برای دو گروه ترسیم می‌کنند. به‌طور کلی، نتایج نشان داد که زنان مطلقه نسبت به زنان متأهل با پایداری زناشویی، در معرض عوامل خطر ساز بیشتری از جمله حساسیت بین فردی بالا و تحریف‌های شناختی قرار دارند. در مقابل، زنان متأهل از سطح بالاتری از تاب‌آوری روان‌شناختی برخوردارند که به‌عنوان یک عامل محافظتی در برابر فروپاشی رابطه عمل می‌کند. این الگو بیانگر آن است که تفاوت در کیفیت روابط زناشویی بیش از آنکه ناشی از شرایط بیرونی باشد، ریشه در ویژگی‌های شناختی و هیجانی افراد دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف مقایسه‌ی حساسیت بین فردی، تحریف‌های شناختی و تاب‌آوری روان‌شناختی در دو گروه از زنان، یعنی آن‌هایی که دارای پایداری زناشویی هستند و آن‌هایی که تجربه‌ی طلاق را پشت سر گذاشته‌اند، انجام شد و نتایج تحلیل داده‌ها به طور قاطع هر سه فرضیه تحقیق را تأیید کرد. یافته‌ها نشان دادند که زنان مطلقه در مقایسه با زنان متأهل با پایداری زناشویی، سطوح بالاتری از حساسیت بین فردی و تحریف‌های شناختی و سطح پایین‌تری از تاب‌آوری روان‌شناختی را گزارش کردند. این نتایج تصویری روشن از پروفایل روان‌شناختی متفاوت دو گروه ارائه می‌دهد و اهمیت نقش عوامل شناختی و هیجانی در سرنوشت روابط زناشویی را برجسته می‌سازد. حساسیت بین فردی بالا در زنان مطلقه به‌عنوان یک عامل خطر ساز شناخته شد، زیرا این ویژگی با اضطراب از ارزیابی منفی و ترس از طرد شدن همراه است و باعث می‌شود رفتارهای مبهم همسر به صورت منفی تعبیر شوند و زمینه‌ی افزایش تعارض و کاهش صمیمیت و اعتماد را فراهم کنند. این مکانیزم تفسیری منفی، چرخه‌های معیوب ارتباطی را تقویت کرده و در نهایت رابطه را به سمت فرسودگی و فروپاشی سوق می‌دهد. در کنار این عامل، تحریف‌های شناختی نیز نقش مهمی در شکل‌گیری واقعیت منفی از رابطه داشتند؛ زنانی که ازدواجشان به طلاق انجامیده بود، بیشتر در دام الگوهای تفکر غیرمنطقی مانند خواندن ذهن، تعمیم افراطی و کمال‌گرایی گرفتار بودند و این تحریف‌ها مانع از دیدن تصویر واقعی و متعادل از رابطه می‌شدند و به تدریج سرمایه‌ی عاطفی رابطه را تخلیه می‌کردند. در مقابل، تاب‌آوری روان‌شناختی به‌عنوان یک سپر محافظ عمل کرد و زنان با پایداری زناشویی تاب‌آوری بالاتری نشان دادند که به آن‌ها امکان می‌داد با خوش‌بینی واقع‌گرایانه، مهارت‌های حل مسئله و توانایی تنظیم هیجانات، چالش‌های زناشویی را به‌جای تهدیدهای وجودی، مشکلاتی قابل حل ببینند و با آرامش و منطق به دنبال راه حل باشند. این ویژگی مانند ضربه‌گیر عمل کرده و رابطه را در برابر آسیب‌های ناشی از مشکلات روزمره و بحران‌های بزرگ محافظت می‌کند. قدرت اصلی این پژوهش در بررسی همزمان این سه متغیر و ارائه‌ی یک الگوی ترکیبی است که نشان می‌دهد سرنوشت یک رابطه زناشویی به تعامل پیچیده بین عوامل خطر ساز و محافظت‌کننده وابسته است. پروفایل زنان مطلقه ترکیبی از حساسیت بالا، تحریف‌های شناختی متعدد و تاب‌آوری پایین را نشان می‌دهد که یک طوفان کامل برای فروپاشی رابطه است، درحالی‌که پروفایل زنان با پایداری زناشویی شامل حساسیت پایین‌تر، تحریف‌های کمتر و تاب‌آوری بالاتر است که بستری مناسب برای رشد و پایداری رابطه فراهم می‌کند. باوجود این یافته‌ها، پژوهش با محدودیت‌هایی همراه بود؛ از جمله طرح مقطعی که امکان استنتاج روابط علی قطعاً را نمی‌دهد، اندازه نمونه محدود و روش نمونه‌گیری در دسترس که تعمیم‌پذیری نتایج را کاهش می‌دهد، استفاده از ابزارهای خودگزارشی که ممکن است با سوگیری همراه باشد و تمرکز صرف بر زنان که تصویر کامل از دینامیک زناشویی ارائه نمی‌دهد. با این حال، نتایج پیامدهای کاربردی مهمی برای مشاوران، روان‌شناسان و سیاست‌گذاران دارد؛ از جمله استفاده از

پرسشنامه‌های حساسیت بین‌فردی و تحریف‌های شناختی در مشاوره پیش از ازدواج و زوج‌درمانی، برگزاری کارگاه‌های آموزش تاب‌آوری برای زوجین جوان و آگاهی‌بخشی عمومی درباره نقش افکار و هیجانات در کیفیت روابط. همچنین پیشنهاد می‌شود تحقیقات آتی با طراحی‌های طولی، بررسی همزمان زوجین، استفاده از روش‌های ترکیبی و طراحی مداخلات درمانی مبتنی بر یافته‌های این پژوهش انجام شوند. درنهایت، این تحقیق نشان داد که دنیای درونی افراد، یعنی الگوهای شناختی و هیجانی، نقشی تعیین‌کننده در سرنوشت روابط زناشویی ایفا می‌کند؛ حساسیت بین‌فردی و تحریف‌های شناختی واقعیت رابطه را مخدوش کرده و آن را به سمت فروپاشی سوق می‌دهند، درحالی‌که تاب‌آوری روان‌شناختی سپری قدرتمند است که به زوجین کمک می‌کند در برابر طوفان‌های زندگی مشترک مقاومت کنند؛ بنابراین، برای تقویت نهاد خانواده باید به عمق ساختارهای روان‌شناختی افراد توجه کرد و با سرمایه‌گذاری بر آموزش مهارت‌های شناختی و هیجانی، سلامت روان فردی و پایداری اجتماعی را ارتقا داد.

منابع

- حاتمی، س.، و ابراهیمی، م. (۱۴۰۱). حساسیت بین‌فردی و تعارض زناشویی: مطالعه‌ی مقایسه‌ای. *فصلنامه تحقیقات مشاوره*، ۱۱، ۸۸-۱۰۳.
- رضایی، ا.، و سلیمانی، م. (۱۴۰۱). نقش متغیرهای شخصیتی و شناختی در پیش‌بینی پایداری زناشویی. *فصلنامه روانشناسی معاصر*، ۱۲، ۴۵-۶۲.
- شرعتمداری، م. (۱۴۰۱). روانشناسی ازدواج و خانواده: رویکردهای نوین. تهران: انتشارات سمت.
- صادقی، س.، و کریمی، ف. (۱۴۰۲). رابطه حساسیت بین‌فردی با کیفیت رابطه زناشویی: نقش واسطه‌ای علائم افسردگی. *مجله روانشناسی خانواده*، ۸، ۱۱۲-۱۲۸.
- صالحی، ک. (۱۴۰۰). بررسی رابطه بین کمال‌گرایی و تحریف‌های شناختی با رضایت زناشویی در زنان. *پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، ۱۶، ۱۴۵-۱۶۰.
- علی‌پور، ا. (۱۴۰۰). اثربخشی درمان شناختی-رفتاری مبتنی بر ذهن‌آگاهی بر کاهش تحریف‌های شناختی زوجین در آستانه طلاق. *مجله سلامت روان*، ۹، ۲۵-۳۸.
- قاسمی، ع.، احمدی، ر.، و موسوی، س. (۱۴۰۱). نقش میانجی تحریف‌های شناختی در رابطه بین استرس‌های زندگی و تعارض زناشویی. *فصلنامه مطالعات روان‌شناختی*، ۱۹، ۷۸-۹۵.
- کریمی، ن.، و رحیمی، ه. (۱۴۰۲). نقش تاب‌آوری روان‌شناختی در تعدیل رابطه بین مشکلات اقتصادی و تمهد زناشویی. *فصلنامه روانشناسی و علوم تربیتی*، ۱۸، ۶۷-۸۱.
- محمدی، پ.، حسینی، ا.، و شریفی، م. (۱۴۰۲). تحلیل هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی طلاق در ایران و لزوم مداخلات پیشگیرانه. *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۴، ۱۵۵-۱۷۳.
- نژادمطلق، ع.، و صفاری، ل. (۱۴۰۲). مقایسه تاب‌آوری روان‌شناختی و سبک‌های دل‌بستگی در زنان متأهل با سطوح مختلف رضایت زناشویی. *مجله روانشناسی بالینی*، ۱۵، ۲۱۰-۲۲۵.
- Amato, P. R. (2021). The long-term consequences of divorce for adults and children. *Journal of Marriage and Family*, 83(1), 152–171.
- Beck, A. T., & Haigh, E. A. (2021). Advances in cognitive theory and therapy. *Annual Review of Clinical Psychology*, 17, 379–399.
- Beck, J. S. (2020). *Cognitive behavior therapy: Basics and beyond* (3rd ed.). Guilford Press.
- Bonanno, G. A. (2021). The nature and importance of resilience. *JAMA Psychiatry*, 78(4), 353–354.
- Boyce, P., & Parker, G. (2021). Interpersonal sensitivity in the context of depressive disorders. *Current Opinion in Psychiatry*, 34(1), 1–6.
- Chen, Y., & Li, X. (2022). Interpersonal sensitivity and marital satisfaction: The mediating role of avoidance behavior and positive affect expression. *Personality and Individual Differences*, 184, 111256.
- Ehrensaft, M. K., & Cohen, P. (2022). Interpersonal cognition and relationship dysfunction. *Clinical Psychology Review*, 92, 102124.
- Epstein, N. B., & Baucom, D. H. (2021). *Enhancing couple therapy: A clinician's guide to working with cognitive, emotional, and behavioral dimensions*. American Psychological Association.
- Falcke, D., Wagner, A., & Mosmann, C. (2022). Resilience and marital satisfaction: A systematic review. *Family Journal*, 30(2), 123–135.
- Farrelly, D., & Lester, K. (2023). Cognitive distortions in early marriage as a predictor of later divorce: A 10-year longitudinal study. *Journal of Family Psychology*, 37(1), 15–25.
- Fincham, F. D., & Beach, S. R. H. (2021). Forgiveness and marital satisfaction. *Journal of Social and Personal Relationships*, 38(5), 1353–1375.
- Gao, W., Liu, Y., & Hu, T. (2022). The dark side of interpersonal sensitivity: How it leads to social anxiety and depression. *Journal of Affective Disorders*, 307, 34–41.
- Gottman, J. M., & Levenson, R. W. (2020). The longitudinal study of couples' interactions. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 88(2), 89–101.
- Johnson, M. P., & Lee, T. R. (2022). Attachment and resilience in the face of marital stress. *Personal Relationships*, 29(4), 987–1005.
- Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (2020). The longitudinal course of marital quality and stability: A review of theory, method, and research. *Psychological Bulletin*, 126(5), 826–852.
- Krukowski, R. A., West, D. S., & Phelan, S. (2022). The buffering role of resilience in the stress-marital satisfaction link. *Health Psychology*, 41(3), 145–155.
- Masten, A. S. (2021). Global perspectives on resilience in children and youth. *Child Development*, 92(4), 925–938.
- Masten, A. S., & Motti-Stefanidi, F. (2020). Understanding resilience in children and adolescents. *Annual Review of Clinical Psychology*, 16, 521–552.
- McNulty, J. K., & Fincham, F. D. (2022). Attributions and marital satisfaction. *Current Directions in Psychological Science*, 31(1), 56–63.
- Robins, R. W., Fraley, R. C., & Krueger, R. F. (2021). *Handbook of personality psychology* (4th ed.). Guilford Press.
- Sbarra, D. A., & Emery, R. E. (2021). The emotional sequelae of divorce: A meta-analysis. *Psychological Bulletin*, 137(6), 939–975.
- Southwick, S. M., Bonanno, G. A., Masten, A. S., Panter-Brick, C., & Yehuda, R. (2021). Resilience definitions and theory. In *Resilience science and practice* (pp. 3–20). American Psychological Association.
- Stanley, S. M., & Markman, H. J. (2020). The enduring dynamics of commitment. *Journal of Family Psychology*, 34(1), 1–10.
- UN Women. (2022). *Progress on the Sustainable Development Goals: The gender snapshot 2022*. United Nations.
- Whisman, M. A., & Uebelacker, L. A. (2021). Longitudinal associations between marital satisfaction and depression. *Journal of Social and Personal Relationships*, 38(8), 2341–2356.
- World Health Organization. (2022). *Mental health and strengthening psychosocial well-being in older adults*. WHO Press.